

نقش شهادت سردار سلیمانی بر وحدت، آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان (مورد مطالعه شهر کرمانشاه)

سمیه ملکی نژاد^۱، علی مرادی^{۲*}

چکیده

نیژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر شهادت سردار سلیمانی در ایجاد وحدت و آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان با تمرکز بر شهر کرمانشاه است. روش پژوهش کمی و تکنیک مورد استفاده پیمایش، ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه است. جامعه آماری شهروندان ۲۰ سال به بالای شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۸ برابر با ۱۹۵۲۴۳۴ هزار نفر و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر ۳۸۴ نفر است. تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی انجام گرفت. ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد؛ آگاهی سیاسی ($B=۰/۴۹۲$)، وحدت سیاسی ($B=۰/۳۵۴$) به ترتیب از وزن B بالاتری برخوردارند. طبق یافته‌های رگرسیون چندگانه از بین همه متغیرهای تحقیق، متغیر آگاهی سیاسی با $B=۰/۵۶۴$ بیش‌ترین تأثیر را از شهادت سردار سلیمانی پذیرفته است. می‌توان نتیجه گرفت که جامعه ایرانی بخصوص جامعه مورد مطالعه (شهروندان کرمانشاه) برمدار صلح و آشتی شکل‌گرفته است. شهادت حاج قاسم سلیمانی می‌تواند به‌عنوان یک پیونددهنده اجتماع و حاکمیت عمل کند.

کلیدواژگان: آگاهی سیاسی، رضایتمندی سیاسی، شهادت سردار سلیمانی، وحدت سیاسی، مشارکت سیاسی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد، ایران A_Moradi2020@iauksh.ac.ir

مقدمه

یکی از موضوعات مورد مطالعه اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی که در سند تحول بنیادین نیز قید شده است، اشاره به صیانت از وحدت و انسجام اجتماعی با محوریت مشترک اسلامی- ایرانی در بین مردم و جامعه است. وحدت سیاسی نیز از همان وحدت ملی نشأت گرفته است. در واقع وحدت و آگاهی سیاسی مردم نیز یکی از شاخه‌های وحدت ملی است و موجب انسجام اجتماعی می‌گردد. مشارکت مردم در تمامی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، امری است که امروزه در تمامی جوامع پذیرفته شده است و روزه‌روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. این اهمیت اصولاً از آنجا ناشی می‌شود که اولاً مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ غایت به آزادسازی و اعتماد انسان‌ها به خویشتن منجر می‌شود و ثانیاً از نظر ابزاری و در کلیت آن، به بسیج و نقش‌آفرینی توده‌های انسانی در فرایند عملی حیات اجتماعی و حرکت روبه‌جلو جامعه منجر می‌گردد (Kerisberg, 2017: 103)؛ بنابراین از یک طرف، چنان‌که ترنر خاطر نشان می‌سازد، حقوق شهروندی به ماهیت مشارکت اجتماعی افراد در جامعه مربوط است و شهروندی موقعیتی است که به افراد توان شناخته شدن با حضور در اجتماع سیاسی را می‌دهد و از طرف دیگر «مشارکت عمومی، مؤلفه بنیادین امر برنامه‌ریزی خوب است. یک طرح جامع و فراگیر، طرحی است که با مردم انجام شده باشد نه برای مردم» (Zimmerman, 2018: 1). مشارکت می‌تواند به واسطه توانمندسازی افراد فاقد قدرت و خاموش، منبع مشروعیت بخشی به توسعه و پل میان حاکمیت و جمعیت هدف باشد. به لحاظ ابزاری رویکرد مشارکتی با آگاهی از نقصان‌های راهبردهای سنتی و متعارف توسعه و نیز با بهره‌گیری از فرآیند توانمندسازی، آسیب‌پذیر آن را به مراقبت از خودشان فرامی‌خواند (Rahnema, 2018:21). علاوه بر آن مشارکت مردم در فرایند توسعه می‌تواند تعهد آن‌ها را به فعالیت‌های

توسعه‌ای و اجتماع محلی خود را تقویت نماید. (Mehta, 2019:78)؛ بنابراین یکی از اثرات مهم آگاهی سیاسی در نظام‌های مبتنی بر مشارکت این است که شهروندان از ابزار و سازوکارهای گوناگون کنترل مقامات منتخب برای پیشگیری از عدول از قدرت خود و نیز پاسخگو نگهداشتن آن‌ها در برابر مردم بهره می‌گیرند. در راستای اهمیت آگاهی سیاسی در حکومت‌های مردمی و این‌که افراد برای آن‌که شهروندانی شایسته باشند، باید به اندازه کافی از سیاست آگاهی داشته باشند (Carpini & Keeter, 2013: 28).

خداوند متعال در قرآن مجید مؤمنین مجاهد را که در طریق دعوت الهی جان خود را از دست می‌دهند، ستایش می‌کند و می‌فرماید: ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون (سوره توبه، آیه ۱۱۱) خداوند جان و مال مؤمنین را به بهای بهشت از آن‌ها خریداری کرده و آنان در راه خدا جنگ می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند؛ و نیز می‌فرماید: و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون (آل عمران، آیه ۱۶۹) گمان نکنید که افراد کشته شده در راه خدا مردگان هستند بلکه آنان زنده و در نزد پروردگار متنعم هستند وحدت و انسجام از مسائل مهم و مورد تأکید دین اسلام است که در آیات قرآن و احادیث ائمه به آن سفارش شده و در مقابل تفرقه و اختلاف نهی شده است. بر همین اساس امام خمینی به این مسئله اساسی توجه داشته‌اند و به وحدت ملی در داخل کشور و بین عموم مردم و به انسجام اسلامی بین ملت‌های مسلمان سفارش نموده‌اند. می‌توان از طریق عمل به احکام عادلانه اسلام و تشکیل حکومت اسلامی وحدت ملی را در کشور و انسجام اسلامی را در بین ملت‌های مسلمان ایجاد کرد. دوری از تفرقه، خطاب به کل اقلیت‌های ایران، اقلیت‌های قومی و مذهبی مطرح شد (استیری، ۱۳۹۷: ۸). امام خمینی همه مردم ایران را از هر نژاد و زبان و مذهب

به حفظ وحدت ملی فراخوانده‌اند و همچنین مسلمانان را نیز به انسجام اسلامی دعوت کرده‌اند. در هر دو قسمت سخنان ما توجّه امام خمینی به اسلام را می‌بینیم. از نظر امام از طریق اسلام و با تأکید بر اصول انسانی و عادلانه آن می‌توان به این اهداف رسید. ایشان صریحاً به تشکیل حکومت اسلامی برای ایجاد وحدت بین مسلمانان تأکید نمود (استیری، ۱۳۹۷: ۸).

در شرایطی که حدود سی سال از جنگ تحمیلی و دفاع مقدس ایرانیان می‌گذرد، همان امپریالیسم و کمونیسم که فکر می‌کردند نقش دین در جامعه ایران کم‌رنگ شده و دارد به فراموشی سپرده می‌شود، حادثه‌ی ترور « شهید حاج قاسم سلیمانی » به دست نیروهای ارتش امریکا به دنیا نشان داد که «دین اسلام رنگ کهنگی نمی‌گیرد» مردم دین‌دار و آزاده ایران چنان از شهادت این سردار ایرانی متأثر بودند که مراسم تدفین و تشییع باشکوه پیکر شهید سلیمانی چند روزه طول انجامید. میلیون‌ها نفر از عجم و عرب، زن و مرد، پیر و جوان، با عقاید و مذاهب مختلف در گردهمایی تشییع پیکر این شهید مجاهد ستوه شرکت نمودند. در آغاز جنگ تحمیلی عراق بر ایران یک روزنامه چاپ پاریس به طعنه نوشته بود: «ایرانی‌ها معتقد به معجزه هستند، مگر معجزه‌ای سراغ ایرانیان بیاید و آنان را از این مهلکه نجات دهد». در شرایطی که کشور ایران درگیر انقلاب و تغییر حکومت بود با تحمیل جنگ بر ایران از طرف صدام حسین جنایتکار کشور دچار صدمات زیادی شد، اما نمودار شدن قدرت دین به‌عنوان عامل اصلی حفظ عزت و اقتدار ملی و تحکیم وحدت بین مردم ایران موجب شد تا به سرعت شهرهایی که توسط رژیم بعثی عراق به تصرف درآمده بود باز پس گرفته شود و پس‌از آن نیز توفیقات متعدد در نیروی نظامی ایران حاصل شود. پس از جنگ تحمیلی ابرقدرت‌ها عقب نشستند و از طرق دیگری درصدد تجاوز و حمله به کشور ایران شدند «تهاجم فرهنگی، اقدامات تروریستی داخلی، تفرقه و آشوب در

برهه‌هایی از زمان و درنهایت تأسیس و ترغیب گروه تروریستی فرقه‌ای القاعده و سازمان یافته‌تر آن تکفیری‌های داعش بود» (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۵: ۳۰). به‌طور کلی این مطالعه به دنبال بررسی تأثیر شهادت سردار سلیمانی در ایجاد وحدت و آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان با تمرکز بر شهر کرمانشاه است. سؤالات پژوهش عبارتند از:

آیا شهادت سردار سلیمانی بر آگاهی سیاسی مردم در جامعه (کرمانشاه) تأثیرگذار است؟

آیا شهادت سردار سلیمانی بر وحدت سیاسی مردم در جامعه (کرمانشاه) تأثیرگذار است؟

آیا شهادت سردار سلیمانی بر مشارکت سیاسی مردم در جامعه (کرمانشاه) تأثیرگذار است؟

محمدی و شهیدیان (۱۳۹۸) در مقاله‌ای به بررسی انتخابات و مشارکت سیاسی شبکه‌های اجتماعی، صادقان (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر وحدت سیاسی جوانان در شهر اصفهان و پورجلی و نجفی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی و وحدت سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن پرداختند. مسجد جامعی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای تحت عنوان سازمان القاعده، کریمی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان نحوه و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی داعش، بررسی موردی دولت اسلامی و شام و توکلی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات در عراق توجه کردند. پورفرد (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان وحدت و همبستگی سیاسی از منظر قرآن، باصری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی‌ها و مشارکت سیاسی. اجتماعی زنان خانواده‌های نیروهای مسلح و باقری احمدآبادی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان بررسی مشارکت سیاسی و آگاهی سیاسی دانشجویان توجه نشان دادند. چابکی (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان جنسیت و مشارکت

سیاسی: بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران و آزادی (۱۳۷۳) در تحقیقی تحت عنوان بررسی آگاهی سیاسی دانشجویان دانشگاه تهران تأکید داشتند. جنیک اسشو و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان اینترنت و مشارکت سیاسی، پرسون^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی مروری (اسنادی- کتابخانه‌ای) به بررسی ارتباط بین میزان تحصیلات و مشارکت سیاسی و ژيانگ و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی ارتباط بین رضایت از زندگی و درک از فساد در جامعه و میزان مشارکت سیاسی شهروندان را مورد مطالعه قرار دادند. هافمن و دود^۴ (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر دین و مذهب در رفتار انتخاباتی افراد و دیترام و همکارانش^۵ (۲۰۱۴) با تقسیم‌بندی دین‌داری به دو بعد ساختاری و شناخت‌یاری به بررسی ارتباط این دو بعد با رفتار انتخاباتی می‌پردازند. ویلیامز^۶ (۲۰۱۳) در رساله دکترای خود با عنوان تجربه مذهبی و مشارکت سیاسی سیاه‌پوستان آمریکایی در یک ساختار شهری، گات و همکاران^۷ (۲۰۱۰) رابطه بین مذهب و مشارکت سیاسی را در بین گروه‌های مذهبی در آمریکا، دیفراوسیسکو و گتیلمن^۸ (۱۹۸۴) در مطالعات خود در روسیه به رابطه میان مشارکت و اعتماد به سایر شهروندان و نظام و بحری و سیلور^۹ (۱۹۹۳) به مطالعه در دوره گورباچف پرداختند.

در بعد نظری می‌توان گفت: صاحب‌نظران مکتب نوسازی

از جمله دانیل لرنز^{۱۰}، اینکلس و اسمیت^{۱۱}، لیپست^{۱۲}، رابرت دال^{۱۳} و هانتینگتن^{۱۴} به تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سنتی و مدرن پرداخته‌اند. جامعه مدرن برمبنای ویژگی‌هایی از قبیل داشتن یک اقتصاد پیشرفته، انواع فناوری‌های جدید، سازمان‌های اجتماعی تمایز یافته، ثبات و توسعه سیاسی، بالا بودن سطح تحصیلات، بهداشت و درمان و به‌طور خلاصه همه آن چیزهایی که خوب تلقی می‌شوند، تعریف شده است. برمبنای این ویژگی‌های عینی و بیرونی، رفتار اجتماعی و طرز تفکر افراد نیز متناسب با آن شکل گرفته است. از جمله این ویژگی‌های رفتاری، مشارکت گسترده مردم در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. در مقابل، جامعه سنتی قرار می‌گیرد که هنوز به سطح توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نرسیده است و ویژگی‌های اقتصادی افراد نیز مستلزم مشارکت گسترده در امور سیاسی و اجتماعی نیست. تحقیقات متعدد انجام گرفته در قالب این مکتب گویای این مطلب است که حرکت جامعه به سمت توسعه همه‌جانبه بوده و به دنبال پدید آمدن گروه‌های اجتماعی و اقتصادی نوین، اشکال جدید زندگی اجتماعی از جمله مشارکت سیاسی نیز ایجاد می‌شود؛ بنابراین گروه‌هایی از جامعه که بیشتر از مواهب توسعه از جمله رفاه اقتصادی، تعلیم و تربیت، دسترسی به رسانه‌های گروهی، شهرنشینی برخوردار هستند، زمینه‌های مساعدتری برای مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی دارند (قوام، ۱۳۷۴: ۳۸).

در ادامه به طرح نظریات صاحب‌نظران مکتب نوسازی

می‌پردازیم.

دانیل لرنز: وی مطالعه خود را در شش کشور خاورمیانه (ترکیه، لبنان، ایران، اردن، مصر و سوریه) متمرکز ساخته که

1. Jenick Asshaw et al
2. Persson, Jimz
3. Zheng W. w. Liu L. Huang Z. w. Tan X. y
4. Hoffman, A. and Dowd, R
5. Demerath III, N. J
6. Williams, S. D
7. Guth, J. Green, J. Kellstedt, L. and Smidt, C
8. Diffravceisco, W. Gitelman, Z
9. Bahry, D. Silver, B

10. Daniel Lerner

11. Incles and Smith

12. Lipstick

13. Robert Dahl

14. Huntington

حاصل آن کتابی به نام « گذر از جامعه سنتی، نوسازی در خاورمیانه » است. اندیشه لرنر در چارچوب نظریه اشاعه فرهنگی است، به این معنی که با بسط و نشر عناصر فرهنگی جوامع مدرن در کشورهای جهان سوم، آمادگی روانی و اجتماعی برای پذیرش عناصر فرهنگی جدید و ایفای نقش مؤثر در این رابطه فراهم می‌شود. به نظر لرنر، مهم‌ترین عناصر و متغیرهای نوسازی عبارت‌اند از: رسانه‌های گروهی، تعلیم و تربیت و شهرنشینی. نفوذ و گسترش این عناصر به درون جامعه سنتی، دگرگونی در نگرش‌ها و باورهای مردم را در پی دارد. یکی از شاخص‌های این نگرش جدید، وجود همدلی و بروز شخصیت انتقالی در افراد است، به این معنی که شخص این توانایی را در خود می‌بیند که خود را به جای دیگری بگذارد و به کنش مثبت و سازنده با دیگران بپردازد. بر همین قیاس، مشارکت افراد در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی نیز یکی از ابعاد توسعه اجتماعی و روانی به شمار می‌رود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۰۸).

به‌زعم لرنر (۱۹۶۴) در جامعه سنتی سواد، میزان شهرنشینی و دسترسی به رسانه‌های همگانی و نهایتاً ارتباطات اجتماعی ضعیف‌تر و کم‌رنگ‌تر هستند، در نتیجه مشارکت سیاسی و اجتماعی وجود ندارد. وی اولین متغیرها را، در جامعه متجدد و جدید پیدا می‌کند و از جامعه جدید به‌عنوان جامعه مشارکتی نام می‌برد. وی مدلی ساخته و پرداخته می‌کند که شامل چهار مرحله از رشد ارتباطی تا به مرحله جامعه مشارکتی را در برمی‌گیرد. این مراحل به ترتیب عبارت‌اند از: شهرنشینی، سواد، مشارکت رسانه‌ای و مشارکت انتخاباتی (Lerner, Daniel, 1964: 217).

لیپست: وی بایبان ارتباط بین توسعه اقتصادی و دموکراسی معتقد است که میزان رفاه و توسعه اقتصادی کشورها را می‌توان به صورت عامل مهمی برای توسعه‌یافتگی سیاسی و دموکراسی در نظر گرفت. به نظر او شاخص‌های توسعه

اقتصادی مانند ثروت، صنعتی شدن، شهرنشینی و تحصیلات چنان باهم مرتبط هستند که تشکیل یک عامل واحد می‌دهند و این عامل درجه همبستگی بالایی با دموکراسی دارد (Lipset, 1994: 134). این بخش از مطالعات لیپست در سطح کلان و در سطح کشورها مطرح است. بخش دیگری از تحقیقات لیپست در کتاب او با عنوان « انسان سیاسی » آمده است. وی با استفاده از یافته‌های آماری در خصوص ویژگی‌های اجتماعی رأی‌دهندگان و مشارکت‌کنندگان در فعالیت‌های سیاسی و طبقه‌بندی آن‌ها به دو گروه (مشارکت بالا و مشارکت پایین) به تدوین قواعد آن در زمینه علل شرکت در انتخابات می‌پردازد. عوامل اجتماعی و زمینه‌ای مورد بررسی لیپست عبارت‌اند از: سن، درآمد، تعلیم و تربیت، نژاد، جنس، اقامت، شرایط اجتماعی، تأهل، عضویت در سازمان‌ها (سوی، ۱۳۷۸: ۶۹-۶۶).

هانتینگتن و نلسون: هانتینگتن مطالعات متعددی در زمینه توسعه سیاسی و مشارکت سیاسی انجام داده است و به تاسی از لرنر، نوسازی را فراگردی چندبعدی می‌داند که در همه زمینه‌های اندیشه و فعالیت جریان دارد. به نظر وی جنبه‌های اصلی نوسازی عبارت‌اند از: شهرنشینی، صنعتی شدن، دنیاگرایی، دموکراتیزه شدن، آموزش و دسترسی به رسانه‌های ارتباط جمعی. وی به نهادینگی و ثبات سیاسی همراه با سطح قابل‌قبولی از مشارکت سیاسی به‌عنوان دو معیار توسعه سیاسی تأکید می‌کند. وی تحرک اجتماعی را که بر اثر گسترش ارتباطات، تحصیلات و شهرنشینی و ارتقای وضعیت اقتصادی به وجود می‌آید، عامل اصلی مشارکت سیاسی می‌داند که چنانچه با عدم نهادینگی سیاسی توأم باشد، بی‌ثبات کننده و موجب تباهی سیاسی است (هانتینگتن، ۱۳۷۰: ۸۵).

یکی از تأکیداتی که در نظریه هانتینگتن مطرح می‌شود، اهمیت فرهنگ به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده توسعه سیاسی و ایجاد دموکراسی است. عامل فرهنگ در مکتب

نوسازی جدید به طور گسترده تری مورد بررسی قرار گرفته است. هانتینگتن و نلسون (۱۹۷۶) به مقوله مشارکت به عنوان معلول و اثر تبعی توسعه می‌نگرند. در ادبیات این دو نظریه پرداز، مشارکت سیاسی به عنوان امری عینی و مجزا از نگرش‌های ذهنی فرد تلقی می‌شود. طبق تعریف آن‌ها مشارکت سیاسی «فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری‌های درست است»؛ بنابراین آن‌ها مشارکت سیاسی را تابعی از دامنه فعالیت‌های دولت در جامعه می‌دانند. آن‌ها مشارکت (اجتماعی به طور اعم و مشارکت سیاسی به طور اخص) را هدف ندانسته و آن را تابعی از منابع فعالیت‌های درست و تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آن‌ها یا به طور کلی محصول جانبی توسعه محسوب می‌کنند. به این معنا که نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی یا اصلاحات اجتماعی و یا کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تشویق می‌کنند یا اینکه چون توسعه اقتصادی و اجتماعی، فرصت‌های تحرک اجتماعی و اقتصادی فرد را بیشتر می‌کند، در درازمدت افزایش منزلت‌های بالاتر در جامعه و گسترش نگرش‌های ذهنی احساس توانمندی و مؤثر بودن از نظر سیاسی موجب گسترش مشارکت سیاسی می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۵).

هانتینگتن و نلسون اشکال مختلف مشارکت سیاسی را موارد ذیل می‌دانند:

- ۱- فعالیت در انتخابات ۲- اعمال نفوذ ۳- فعالیت سازمانی
- ۴- ایجاد روابط فردی با مقامات قدرتمند

مشارکت سیاسی می‌تواند در قالب یکی از موارد بالا یا چند مورد آن صورت گیرد. هانتینگتن و نلسون بر اساس تجربه کشورهای صنعتی و پیشرفته غربی به این نتیجه می‌رسند که توسعه اقتصادی و اجتماعی لزوماً باعث افزایش مشارکت نمی‌گردد؛ ولی در دوره‌های زمانی طولانی و زمان بر،

رابطه‌ای بین این دو متغیر برقرار می‌شود و هرچه توسعه اقتصادی - اجتماعی بیشتر شود، مشارکت سیاسی بالاتری مشاهده می‌شود. در این میان عوامل دیگری مثل مهاجرت، جنگ، علایق مذهبی و عقیدتی مستقل از توسعه اقتصادی، موجب ارتقا و آگاهی گروهی، دخالت در سازمان‌ها و نیز تشدید فعالیت‌های دولت می‌شود که به نوبه خود محتمل است مشارکت سیاسی را افزایش دهد. این دو نویسنده بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی و فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوسی قائل‌اند و افراد اگر بتوانند با استفاده از وسایل دیگر (مهاجرت، بالابردن سطح سواد، انتقال به مشاغل پر منزلت تر یا کسب درآمد بیشتر) به اهداف مورد نظر که در مجموع همان بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی است دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف نظر می‌کنند (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۴-۶۳).

هانتینگتن و نلسون دو عامل کلی را در گسترش مشارکت

سیاسی در جوامع در حال توسعه مؤثر می‌دانند:

۱- تأثیر نخبگان سیاسی در ترغیب مردم به مشارکت و میزان توانایی آن‌ها در این‌که چقدر بتوانند افکار عمومی را در جهت مشارکت کانالیزه کنند.

۲- میزان آگاهی گروهی و انسجام اجتماعی این جوامع.

هانتینگتن و نلسون معتقدند که توسعه اقتصادی و اجتماعی به دو شکل می‌تواند در مشارکت مردم تأثیر گذارد:

- ۱- از طریق تحرک اجتماعی: تحرک اجتماعی باعث بالا رفتن منزلت اجتماعی فرد می‌گردد؛ که خود موجب احساس توانمندی و کارایی بالاتر و قدرت تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری دستگاه‌های عمومی و نتیجتاً باعث مشارکت بیشتر فرد در امور اجتماعی و سیاسی می‌گردد. این تحرک بیشتر نتیجه یک توسعه اقتصادی است.

۲- از طریق عضویت سازمانی: داشتن مشارکت فعال در سازمان‌های جمعی، باعث می‌گردد که مشارکت سیاسی -

اجتماعی افراد خودبه‌خود بالا رود و افراد از طریق جو حاکم بر این گروه‌ها و سازمان‌ها در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی درگیر شوند. این مجرای مشارکتی به مراتب از مجرای اول (تحرك اجتماعی افراد) تأثیرگذارتر است (قزاقانی، ۱۳۸۲: ۳۲-۲۸).

رابرت دال: وی حتی پیش از لیپست مباحث خود را درباره دموکراسی آغاز کرده بود. به عقیده او دموکراسی تنها در قالب پلی آرسی امکان تحقق دارد و به همان میزان که جوامع پیشرفت می‌کنند، متکثرتر می‌شوند و گروه‌های متنوع‌تری پدید می‌آید، زمینه رقابت گسترده‌تر و ایجاد دموکراسی فراهم می‌شود.

رابرت دال مشارکت سیاسی را مورد تحلیل قرار داده و عوامل تسهیل‌کننده ورود به مشارکت سیاسی را مطرح نموده و توانسته مدلی را برای تبیین رفتار مشارکتی طراحی نماید. مدل دال بیشتر مبتنی بر ابعاد فردی و روانی است که به نوعی بی‌ارتباط با گزاره‌های مربوط به نظریه مبادله نیست. به نظر دال عوامل زیر بر مشارکت تأثیر مستقیم دارند که در صورت بروز و تحقق آن‌ها، مشارکت را در پی خواهند داشت:

- ۱- فرد برای پاداش‌های حاصل از مشارکت ارزش بالایی قائل باشد.
- ۲- مکانیسم مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر مکانیسم‌ها مؤثرتر بداند.
- ۳- نسبت به دستیابی به نتایج، اطمینان لازم را داشته باشد.
- ۴- برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد.
- ۵- در ذهن خود نوعی احساس آمادگی و برخورداری از دانش و اطلاعات و توانایی برای انجام دادن عمل را داشته باشد.
- ۶- در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت، خود را مواجه با مشکلات و موانع زیادی نبیند (دال، ۱۳۶۴: ۴۰-۳۵).

تئوری‌های تبیین‌کننده مشارکت سیاسی و وحدت سیاسی

نظریه جین لایگلی و رویکرد کنش متقابل نمادین

بر اساس نظر لایگلی^۱، تعامل اجتماعی دارای بینش‌های

کلیدی است که کمک می‌کند تا بدانیم چرا افراد درگیر سیاست می‌شوند. وی معتقد است تعامل اجتماعی فرصت‌هایی را برای فرد فراهم می‌آورد تا درباره سیاست اطلاع کسب کنند و به فرد اجازه می‌دهد که فراتر از منابع خویش به مشارکت بپردازد و بر موانع مشارکت سیاسی چیره شود. زیرا درک، اطلاعات، منابع و توانایی‌های فردی ذاتاً محدود است. استدلال لایگلی این است که افرادی که در محیط‌های اجتماعی متفاوت اقامت دارند، میزان مشارکت سیاسی‌شان نیز فرق می‌کند. افراد به وسیله تعامل با محیط اجتماعی خود در معرض اطلاعات بی‌نظیری قرار می‌گیرند که به نوبه خود رفتار سیاسی آن‌ها را تغییر می‌دهد. البته از نظر وی تعامل وقتی مهم است که دارای محتوایی سیاسی باشد. بنابراین داشتن دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، تعامل با افرادی که به سیاست علاقه‌مندند یا درگیر امور سیاسی‌اند و بحث سیاسی با دوستان، موجب می‌شود که افراد اطلاعات و مطالبی درباره سازوکارهای سیاست و امور سیاسی یاد بگیرند و اطلاعات و تجارب سیاسی آن‌ها افزایش یابد و مشارکت آنان تسهیل شود. از طرفی تعامل با همگنان موجب رفتاری از سوی فرد می‌شود که برای آن‌ها قابل قبول است و در واقع محرک‌های سیاسی واقع در محیط اجتماعی فرد، به مشارکت سیاسی وی می‌انجامد (دبانتی نیت، ۱۳۸۲، ۴۳).

نظریه یورگن هابرماس، رویکرد انتقادی هابرماس هابرماس در قالب نظریه انتقادی، در مقابل مفهوم عقلانیت ابزاری همه‌گیر، اندیشه فرآیند رهایی‌بخش عقل ارتباطی را عنوان می‌کند. گسترش حوزه عقلانیت ارتباطی مستلزم گسترش توانایی‌های کلامی و ارتباطی است. از اینجا هابرماس^۲ به مفهوم وضعیت کلام آرمانی می‌رسد که در آن توانایی‌های ارتباطی و کلامی لازم برای ایجاد جهانی عقلانی، تحقق می‌یابند. بنابراین، عرصه فعالیت سیاسی رهایی‌بخش

در سرمایه‌داری متأخر، حوزه عمل تفاهمی و ارتباطی فارغ از سلطه است (هولاب، ۱۳۸۳: ۶). به گفته هابرماس از قرن هجدهم به بعد، همگانی پدیدار شد که افراد خصوصی در آن گرد می‌آمدند تا درباره مقررات ناظر به کار جامعه (جامعه مدنی) و سیاست‌های دولت اقتدار عمومی به بحث بپردازند. حوزه عمومی، عرصه‌ای است که در آن افراد به منظور مشارکت در مباحث باز و علنی گرد هم می‌آیند و برخلاف نهادهای که تحت سلطه خارجی قرار دارند و یا دارای روابط قدرت درونی هستند، از اصول مشارکت و نظارت دموکراتیک، نوید می‌دهد (هولاب، ۱۳۸۳: ۲۶). از نگاه هابرماس، عرصه عمومی نه تنها عرصه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است بلکه عرصه تعیین حقایق در امور کلی و عقلانی در زندگی سیاسی نیز است.

نظریه رونالد اینگلهارت

اینگلهارت^۱ افزایش مشارکت در مغرب زمین را از طریق سه عامل ارتقایی سطح تحصیلات و اطلاعات سیاسی؛ تغییر هنجارهای حاکم بر مشارکت زنان و تغییر در اولویت‌های ارزشی، مورد تبیین قرار داده است. به نظر وی متغیرهای تحصیلات رسمی، موقعیت اجتماعی- اقتصادی، سطوح مهارت و اطلاعات، مهارت‌های ارتباطی، تجربه‌های شغلی، شبکه‌های سازمانی، تقلیل تفاوت‌های جنسی در وظایف اجتماعی و سیاسی، برافزایش مشارکت تأثیر گذاشته‌اند (شعبانی، ۱۳۸۰: ۴).

نظریه لوئیس کوزربرگ

لوئیس کوزربرگ^۲ در کتاب خود با عنوان جامعه‌شناسی تضادهای اجتماعی، با استفاده از نظریه‌های متعدد، سه منشأ اساسی را برای نارضایتی و عدم مشارکت سیاسی تعیین می‌کند. این سه منشأ اگرچه از منظر و دیدگاه‌های متعدد

موضوع عدم مشارکت را بررسی کرده‌اند، اما اجمالاً بر این نکته توافق دارند که منشأ نارضایتی را که مخرب مشارکت افراد است، باید در نابرابری‌ها و ارزیابی ناشی از آن جستجو کرد. این سه نگرش متفاوت را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

اولین نگرش در اهمیت محرومیت به طور مطلق در افراد و میزان تأکید می‌نماید. نگرش دوم بر سطوح ناسازگاری میان موقعیت‌های متفاوتی که افراد در زندگی اجتماعی خود با آن مواجه‌اند تأکید دارد و نگرش سوم به تغییراتی که در طول زمان در آنچه مردم دارند آنچه تصور می‌کنند باید داشته باشند، اشاره دارد (کوزر، ۱۳۷۵: ۴۳). درباره منشأ نخستین نارضایتی‌های اجتماعی، افرادی مانند رالف دارندروف^۳ بیان می‌کنند که «موافقت کافی وجود دارد که محروم‌ترین افراد، بدترین احساس‌ها را دارند. آن‌ها نیازی ندارند تا بدانند محروم هستند». اینکلس^۴ نیز طی مطالعات متعدد این نتیجه را کسب کرده است که سطح رضایت افراد از بخش‌های متعدد، تابعی از توانایی اقتصادی آن‌هاست. کوزر برگ در این باره می‌گوید: «اینکلس، اطلاعات بسیاری را از جوامع مختلف بررسی کرد و دریافت افرادی که در سطح پایین‌تر شغلی یا اقتصادی قرار دارند عموماً بیشتر نارضایتی نشان می‌دهند» (کوزر، ۱۳۷۵: ۶۸). منشأ دیگر نارضایتی، شکاف و ناسازگاری میان بخش‌های متعدد زندگی فردی است افرادی مثل لنسکی و گافمن به آن توجه کردند: «نارضایتی ناشی از عدم توازن در مرتبت و منزلت، عدم هماهنگی و ناسازگاری در موقعیت‌های متفاوت، سبب خواهد شد که افرادی که در بعضی ابعاد در رتبه بالا و در بعضی از ابعاد دیگر در رتبه پایین قرار دارند و یا خود را چنین ارزیابی می‌نمایند، به طور مشخص نارضایتی باشند» (کوزر، ۱۳۷۵: ۷۰). منشأ سوم نارضایتی از عدم پذیرش آنچه مردم دارند و یا فزونی در آنچه انتظار دارند داشته باشند، ناشی می‌شود. عدم

3. Ralph Dandov

4 Alex Inkles

1. Ronald Inglehart

2. Louis Kozer Berg.

رضایت زمانی آغاز می‌شود که مردم در آنچه احساس می‌کنند باید و یا می‌توانند داشته باشند، نوع افت را مشاهده کنند. این شکاف و یا اختلال، پایه‌های اساسی شورش، خشم، اضطراب و ناراضی‌تبی است (کوزر، ۱۳۷۵: ۷۶).

«لونیس کوزر نیز عوامل را مورد تأکید قرار می‌دهد. او هنگام بحث درباره علل تضاد، بر ارزیابی از نابرابری تأکید می‌نماید. کنار اندازی مشروعیت نظام موجود توزیع، ناراضی‌تبی از محرومیت را ایجاد می‌کند» (ترنر، ۱۳۷۱: ۱۵۰). این ناراضی‌تبی از محرومیت متأثر از نوع فشار اجتماعی است که ممکن است بر افراد محروم اعمال گردد. ارزیابی از شرایط خود و دیگری سبب بروز احساس تبعیض خواهد شد و این احساس به نوبه خود، سبب زیر سؤال رفتن مشروعیت توزیع منابع در جامعه می‌گردد، این نکته مورد تأکید دارندورف نیز هست که وقوف بر شرایط نابرابر و ارزیابی منفی از آن را دلیل بروز ناراضی‌تبی و تضادهای اجتماعی می‌داند؛ بنابراین ناراضی‌تبی به سبب پیامدهای مخرب خود امکان حضور در صحنه اجتماعی را برای فرد به حداقل می‌رساند و سبب ایجاد تکراری می‌شود (هانتیگتون، ۱۳۷۰: ۶۹).

نظریه‌های جامعه‌شناختی آگاهی سیاسی

در نظریه‌های جامعه‌شناختی مجموعه وسیعی از دیدگاه‌ها در مورد آگاهی مطرح شده است. نظریه پدیدارشناسی، به مسئله آگاهی پرداخته و از افکار فیلسوفانی از قبیل هوسرل^۱، مرلوپنتی^۲، برگسون^۳ سرچشمه می‌گیرد (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۶۴-۶۵). برگر و لوکمان در «رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت» می‌نویسند: اندوخته دانش اجتماعی، واقعیت را برحسب درجات آشنایی مشخص می‌سازد به این معنی

که موجب می‌شود درباره آن بخش‌هایی از زندگی روزمره که باید با آن‌ها پیوسته سروکار داشته باشیم، مطالعات پیچیده و مفصلی به دست آوریم. بلومر^۴ یکی از بزرگان نظریه‌کنش متقابل نمادین که به بررسی رابطه فرد و جامعه، در جریان کنش متقابل بین افراد می‌پردازد (توسلی، ۱۳۸۸: ۲۶۱). یکی از ویژگی‌های اصلی این نظریه را پرداختن به آگاهی می‌دانست. توجه به ریشه‌های عمل‌گرایانه نظریه‌کنش متقابل نمادین، فرض‌های اساسی این نظریه پیرامون آگاهی‌کنشگران را مشخص می‌کند. به نظر عمل‌گرایان، حقیقت یا واقعیت به‌گونه‌ای آماده در جهان واقعی وجود ندارد. بلکه ضمن عملکرد ما به گونه فعالانه ساخته و پرداخته می‌شود (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۶۸-۲۶۹). در نظریه مبتنی بر تضاد، کارگران به‌عنوان تنها طبقه و گروه اجتماعی که زیر سلطه سرمایه‌داران قرار دارند باید به آگاهی برسند. این آگاهی نوعی از آگاهی سیاسی است که منجر به براندازی دولت سرمایه‌داری خواهد شد (شهرام نیا، ۱۳۸۹: ۱۴۲). مارکس^۵ در کتاب فلسفه اقتصادی و انتقادی نوشت که توسعه زندگی اجتماعی، سیاسی و غیره زیر سلطه شیوه زندگی مادی قرار دارد. آلموند^۶ که مروج نظریه فرهنگ سیاسی است، معتقد است تصور مردم یک جامعه از قدرت و قدرت سیاسی، نوع رابطه حکومت و مردم، چگونگی تضمین و تأمین عدالت، آزادی و استقلال در یک جامعه، تعبیر و بینش افراد نسبت به سرشت انسان و نیز ساختار سیاسی حکومت‌ها، نخبه‌گرایی یا کثرت‌گرایی، میل به استبداد فردی یا گرایش به دموکراسی، توده‌گرایی همه تظاهراتی از فرهنگ سیاسی یک جامعه‌اند (آلموند و پاول، ۱۳۷۷: ۷۱).

زمانی که از فرهنگ سیاسی بحث می‌کنیم وارد ذهن افراد شده‌ایم و با استفاده از ابزارهای روانکاوانه به بررسی دلایل جهت‌گیری و رفتارهای سیاسی آن‌ها می‌پردازیم. آلموند

1. Jonathan Turner
2. Edmund Husserl
3. Maurice Merleau-Ponty
4. Henri Bergson

5. Herbert George Blumer
6. Karl Marx
7. Gabriel Almond

نقش شهادت سردار سلیمانی بروح‌دلت، آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان

در ارزیابی سطح فرهنگ سیاسی جامعه معین ۴ ضابطه را یادآور شده است: ۱- فرد چه دانشی در مورد ملت، نظام سیاسی‌اش در اصطلاحات کلی، تاریخ آن، اندازه، موقعیت، قدرت، خصوصیات قانون اساسی و مانند آن دارد؟ ۲- از ساحت‌ها و نقش‌نخبگان سیاسی مختلف و خط‌مشی‌های سیاسی پیشنهادهایی که در جریان به‌سوی بالای خط‌مشی‌سازی وجود دارد چه دانشی دارد؟ احساس‌ها و عقایدش درباره آن‌ها چیست؟ ۳- درباره جریان رو به پایین اجرای خط‌مشی، ساخت‌ها، افراد، تصمیمات درگیر در این روندها چه دانشی دارد؟ ۴- چگونه خود را به‌عنوان عضوی از نظام سیاسی تصور می‌کند؟ (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۵). بر اساس نظریه آلموند، هر فرهنگ سیاسی شامل نوعی جهت‌گیری شناختی است که مربوط به شناخت و دانسته‌های مردم از امور مختلف نظام سیاسی است؛ بنابراین آگاهی سیاسی یکی از اجزای تشکیل‌دهنده هر فرهنگ سیاسی است (Almond and Verba, 1963: 330).

از سوی دیگر، پدیده مشارکت و عدم مشارکت سیاسی مطرح است که بسیار متأثر از شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی است. اساس جامعه مدنی را اعتنای اجتماعی و مشارکت مردمی تشکیل می‌دهد تا با استفاده از برخی نهادها و ابزارهای ارتباطی میان مردم و دولت، در روندی تعاملی از هرگونه تمرکز و دولت‌سالاری در جامعه جلوگیری شود. در آنچه امروزه «فرهنگ مشارکت» خوانده می‌شود شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی‌ها دخالت دارند و برای مشکلات و معضلات جامعه اهمیت قائل می‌شوند (صدقتی فرد و محسنی تبریزی، ۱۳۸۶: ۱۷۴).

در مقابل این رویکرد، رویکرد یا «فرهنگ عدم مشارکت» قرار دارد که در آن توده مردم در موضعی انفعالی قرار گرفته و تأثیر چندانی بر وقایع و تصمیم‌گیری‌ها ندارند. در واقع مشارکت از افراد می‌خواهد که مسئولیت انتخاب، تأثیرگذاری

هدفمند، فعال بودن و عضو به هم وابسته یک جریان متنوع را پذیرا شوند (مک لنگان و نل، ۱۳۷۷: ۶). معنای مشارکت اجتماعی-سیاسی در نظریه لیپست، فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای است که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستای خود شرکت می‌کنند و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی-سیاسی سهیم می‌شوند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۵۵).

برای چارچوب نظری مقاله حاضر، نظریه هانتینگتون توانسته است نقش شهادت سردار سلیمانی را در سه مؤلفه آگاهی، وحدت و مشارکت سیاسی در جامعه را تبیین کند. طبق نظر هانتینگتون، فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی از دو طریق مجزا می‌تواند سرانجام به گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی بینجامد. یکی از این مجراها تحرك اجتماعی است. با شروع توسعه اقتصادی و اجتماعی منجر به تحرك اجتماعی و ظهور قشر جدیدی از افراد تحصیل‌کرده مانند متخصصان، مدیران، کارگران، تکنوکرات‌ها و روشنفکرانی می‌شود که از آگاهی سیاسی بالایی برخوردارند و این به‌نوبه خود در فرد احساس توانایی و تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی را ایجاد می‌کند. این نگرش‌ها در مجموع می‌تواند زمینه‌کنش اجتماعی و سیاسی را فراهم کند و مشوق مشارکت در سیاست و فعالیت‌های اجتماعی باشد. مردمی که از قدرت تأثیرگذاری بر تصمیمات اتخاذشده برخوردارند، آن‌ها را به امتیاز گرفتن از قدرت سیاسی حاکم، در قالب تقاضا، برای مشارکت سیاسی سوق می‌دهد و در نهایت این چالش‌ها و چانه‌زنی‌های سیاسی بین مردم و قدرت سیاسی به انعطاف‌پذیری نظام سیاسی و در نتیجه تحقق بسترها و زمینه‌های مشارکتی منتهی می‌شود. مجرای دوم، مجاری سازمانی یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی مانند اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع، علائق خاص و ... است که احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. این عامل در

شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش وحدت سیاسی در جامعه شد.

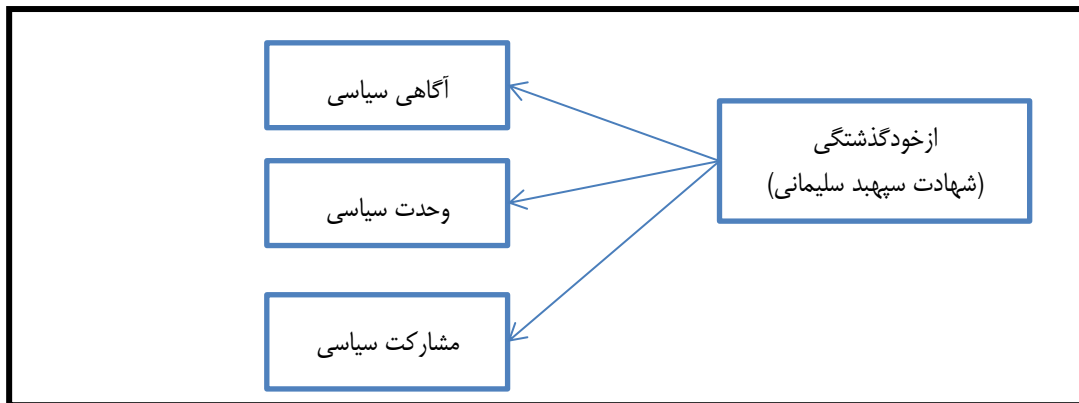
شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش مشارکت سیاسی در جامعه شد.

مدل مفهومی پژوهش

جوامعی که فرصت‌های تحرك فردی در آن‌ها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد (هان‌تینگتون، ۱۳۷۹: ۳۲).

فرضیه‌های پژوهش

شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش آگاهی سیاسی در جامعه شد.



روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل‌شده، تحقیقی کمی و ازلحاظ نوع برخورد با مسئله موردبررسی مطالعه‌ای میدانی است. تکنیک مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز از پرسشنامه استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد.

برای اجرا و توزیع پرسشنامه در نمونه آماری، از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای (جزء روش‌های احتمالی نمونه‌گیری) استفاده شد. بر اساس بافت اقتصادی و فرهنگی، سه خوشه در نظر گرفته شد و هر یک از مناطق شهر کرمانشاه در خوشه‌ای قرار گرفت و از هر خوشه منطقه‌ای به عنوان نمونه به شیوه تصادفی ساده انتخاب و پرسشنامه‌ها در میان

شهروندان سه منطقه اجرا شد. روایی پرسشنامه مذکور از نوع اعتبار صوری است؛ بدین گونه که از صاحب نظران فن و کارشناسان این حوزه برای اعتبار پرسشنامه کمک گرفته شده است. برای پایایی پرسشنامه نیز بعد از اجرای پیش‌آزمون از ضریب آلفا استفاده گردیده است. مقدار آلفای به دست آمده برای تمام متغیرها ۰/۷۵؛ و بالاتر است که مقدار مناسبی به نظر می‌رسد. جامعه آماری شهروندان بالای ۲۰ سال شهر کرمانشاه هستند. بر اساس آماری که از مرکز آمار ایران گرفته شد، این جمعیت در سال ۱۳۹۸ در شهر کرمانشاه (نه نقاط روستایی) برابر با ۱۹۵۲۴۳۴ هزار نفر هستند. برای تعیین حجم نمونه مورد مطالعه از فرمول کوکران استفاده گردید که تعداد ۳۸۴ نفر به دست آمد. برای ابزار گردآوری داده‌ها، واقعه شهادت سردار سلیمانی در تاریخ ۱۳ دی سال ۱۳۹۸ بود. با توجه به اینکه هنوز پژوهش‌های زیادی در این زمینه صورت نگرفته است، سعی شده که مطالب از دل سخنرانی‌های مقامات

نقش شهادت سردار سلیمانی بر وحدت، آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان

ارشد کشوری و سیاستمداران دنیا گردآوری شود. به دلیل حضور میلیونی مردم در تشییع پیکر شهید سلیمانی، این پژوهش بر آن شد تا نقش شهادت سردار سلیمانی را بر وحدت سیاسی و آگاهی سیاسی مردم بررسی نماید. در نهایت با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده پرداخته شد. مفاهیم اصلی به کاررفته در این مطالعه به شرح زیر است:

شهادت (از خودگذشتگی): شهادت در این قاموس، فدا کردن جان خویش در راه ارزش‌های الهی و دستیابی به حیات ابدی است؛ به همین دلیل است که اگر کسی فاقد مایه‌های معنوی باشد، شهادت طلبی او معنایی نخواهد داشت (آقا بخشی، ۱۳۸۳: ۵۲۷). برکات شهادت این سردار بزرگوار پس از شهادت بسیار مهم‌تر و بیشتر از زمان حیات وی بوده و در عین حال که حیات او برای انقلاب پرثمر بود، با شهادت خود، فرامرزی و جهانی شدن انقلاب اسلامی را رقم زد. این به دلیل اوج معرفت این شهید به نیروی عامه مردم و اعتقاد صریح و نه تشریفاتی وی به قوای مردمی است. در این میان انقلاب اسلامی مرزهای سکولاریسم را درنوردید و برخی را که به انقلاب اسلامی شک داشتند دچار تحیر کرد.

آگاهی سیاسی: آگاهی سیاسی یک فرد دربرگیرنده طرز تلقی‌ها و ارزیابی‌ها و از مسائل خاص، شخصیت‌ها و حوادث سیاسی است (داوسون، ۱۳۸۲: ۵۰). در فرهنگ معین، آگاهی مترادف با خبر، اطلاع، علم و معرفت آمده است. آگاهی سیاسی، شناخت و اطلاع افراد یا گروه‌ها نسبت به امور عمومی و سیاست جامعه است. به عبارت دیگر، آگاهی سیاسی اشاره به محتوای حافظه فرد دارد و قابل اندازه‌گیری است؛ آگاهی علاوه بر توانایی دریافت حسی و حفظ خاطره، به توانایی بروز واکنش انتقادی به کمک اندیشه و عمل نیز مربوط می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۴: ۶۷). با توجه به اهمیت آگاهی سیاسی، در پژوهش حاضر، این متغیر بر اساس سه خرده مقیاس زیر

مورد سنجش قرار گرفته است:

۱. آگاهی از مفاهیم سیاسی: این خرده مقیاس شامل سؤالاتی درباره شناخت شهروندان از واژگان گوناگون سیاسی از قبیل آزادی، مشروعیت، حزب و ... است (از قبیل؛ شهادت سردار سلیمانی باعث شد که ما نسبت به دوستان و دشمنان خود آگاهی بیشتری پیدا کنیم؛ و ...). سؤالات این بخش نشان می‌دهد که فرد تا چه میزان از تحول مفاهیم سیاسی آگاهی دارد.

۲. آگاهی از نهادهای سیاسی: خرده مقیاس فوق، حاوی سؤالاتی در زمینه شناخت دانشجویان از سازمان‌ها و مؤسسات و نهادهای سیاسی (اعم از داخلی و خارجی) است. ۳. آگاهی از رویدادهای سیاسی: این خرده مقیاس، شامل سؤالاتی در زمینه شناخت افراد از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی تاریخ معاصر (داخلی و خارجی) است که آگاهی افراد را نسبت به پیشینه تاریخی رویدادهای کشور و تحولات خارج از کشور نشان می‌دهد (از قبیل؛ علاقه به دنبال کردن رویدادهای سیاسی نتیجه شهادت سردار سلیمانی است؛ و ...).

وحدت سیاسی: یگانه شدن دو یا چند در پذیرش «امر واحد» «گردآمدن برای هدفی معین» و «همبستگی قومی و اتحاد».

وحدت: یکی بودن، یگانه بودن اشتراک همه افراد یک ملت در آمال و مقاصد، چنانچه به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند (معین، ۱۳۷۱: ۹۸۸).

وحدت سیاسی و اتحاد سیاسی: در مباحث سیاسی به یک معنا به کاررفته است و آن یگانگی درونی و همبستگی بیرونی در عرصه حیات جمعی جوامع است. در مجموع در مفهوم ایجابی به معنای یکپارچگی و پیوستگی است و در مفهوم سلبی به معنای عدم تفرق است (پور فرد، ۱۳۹۲: ۳۰).

مشارکت سیاسی: برای «مشارکت سیاسی»، تعریف‌های

گوناگونی ارائه شده است. برخی از آن‌ها چنین است: «می‌توان مشارکت سیاسی را به آن دسته از فعالیت‌های شهروندان عادی تعریف کرد که شهروندان از طریق آن، درصدد تأثیرگذاری یا حمایت از حکومت و سیاست برمی‌آیند» (میلبرث و گوئل، ۱۳۶۸: ۱۲). این تعریف، از این جهت که شامل کلیه فعالیت‌ها است، تعریف کل‌گرا است، ولی از آنجاکه فقط به مشارکت شهروندان توجه دارد، تعریف جزءنگر است. در تعریف دیگر، مشارکت سیاسی، شرکت در فرایندهایی که به‌گزینش رهبران سیاسی منجر می‌شود و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد، تلقی شده است (آبراکرامی و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۸۷). مایکل راش^۱، با در نظر گرفتن سه رویکرد اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی، سه معنای متمایز برای مشارکت سیاسی قائل شده است: درحالی‌که در نظریه نخبه‌گرایی، عمدتاً مشارکت سیاسی به نخبگان محدود بوده و از توده‌ها

تصویری غیرفعال، ابزار دست نخبگان ارائه شده، در نظریه کثرت‌گرایی، مشارکت سیاسی به جهت تأثیرگذاری در تعیین سیاست‌ها و توزیع قدرت به مثابه کلید رفتار سیاسی به شمار می‌رود. همچنین در رویکرد مارکسیستی، مشارکت سیاسی به معنای آگاهی طبقات نسبت به وضعیت خود است که سرانجام، سیاسی شدن طبقات را به دنبال خواهد آورد (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳). در این مقاله «مشارکت سیاسی» شاخص مشارکت سیاسی در الگوی اسلامی پیشرفت عبارت است از: «درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی»؛ و در قالب ده گویه؛ تا چه حد شهادت سردار سلیمانی باعث می‌شود که شما در انتخابات آتی شرکت کنید تا چه حد شهادت سردار سلیمانی باعث می‌شود که شما دیگران را به شرکت در انتخابات سراسری تشویق کنید؟ و ... مورد سنجش قرار گرفته است.

جدول ۱. پایایی متغیرهای پژوهش

متغیر	ضریب آلفای کرونباخ استاندارد شده	ضریب آلفای کرونباخ استاندارد نشده	تعداد گویه	میانگین
تأثیرات شهادت سردار سلیمانی	۰/۹۳۰	۰/۹۲۹	۱۰	۲/۴۲۱
مشارکت سیاسی	۰/۹۳۰	۰/۹۳۳	۱۰	۱/۸۵۴
وحدت سیاسی	۰/۹۳۶	۰/۹۳۸	۱۰	۱/۹۵۹
کل	۰/۹۸۴	۰/۹۸۵	۳۰	۱/۹۳۳

(مطالعات میدانی نویسنندگان، ۱۳۹۹)

پایایی و روایی

ابزار پرسش‌نامه دارای اعتبار صوری از نظر کارشناسان است. در این پژوهش برای حصول روایی قابل قبول در نشست‌های متعدد با کمک استاد راهنما به انتخاب معتبرترین شاخص‌های گردآوری شده از بین شاخص‌های موجود در پرسش‌نامه آزمون شده قبلی اقدام نمودیم.

جهت تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری، در این پژوهش از روش اعتبار محتوا استفاده شده است. یکی از مهم‌ترین انواع اعتبار محتوایی، اعتبار صوری است، بدین معنا که سؤالات آزمون تا چه حد در ظاهر شبیه به موضوعی هستند که برای اندازه‌گیری آن تهیه شده‌اند. در این تحقیق مبنای صحت و سقم اندازه‌گیری، نظر اساتید بوده است و به این دلیل

1. Michael Rush

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی نقش شهادت سردار سلیمانی در آگاهی سیاسی مردم کرمانشاه

نتیجه کلی آزمون K.M.O	عامل‌های آگاهی سیاسی			گویه‌های آگاهی سیاسی
	عامل سوم	عامل دوم	عامل اول	
KMO = ۰/۸۴۲ Sig = ۰/۰۰۰	-۰/۳۲۹		۰/۸۳۱	شهادت سردار سلیمانی باعث شد که ما نسبت به دوستان و دشمنان خود آگاهی بیشتری پیدا کنیم.
	-۰/۳۳۸		۰/۸۱۴	شهادت سردار سلیمانی به‌نوعی هوشیاری ما را نسبت به مسائل سیاسی اطرافمان بیشتر کرد.
	-۰/۳۳۵		۰/۸۰۴	شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش نقش برنامه‌های سیاسی رسانه ملی در آگاهی بخشی سیاسی به زنان شده است.
			۰/۷۷۶	شهادت سردار سلیمانی باعث شرکت زنان در تجمعات اعتراضی و نشان‌دهنده درک سیاسی آنان در خصوص حقوقشان شده است.
	۰/۳۴۲	۰/۵۸۰	۰/۴۴۱	علاقه به دنبال کردن رویدادهای سیاسی نتیجه شهادت سردار سلیمانی است.
	۰/۵۵۲	۰/۱۴۴	۰/۶۲۲	شهادت سردار سلیمانی در تغییر نگرش سیاسی ما در برنامه‌های سیاسی رسانه ملی تأثیرگذار بوده است.
	۰/۳۴۵	۰/۲۳۲	۰/۵۸۳	سردار سلیمانی حیاتی دوباره به انقلاب بخشید.
	۰/۲۰۸	-۰/۵۹۱	۰/۶۷۸	سردار سلیمانی با شهادت خود موجب اتحاد، همبستگی، یگانگی و وحدت ما مسلمانان و آزادگان شد.
	۰/۱۹۵	-۰/۵۷۷	۰/۶۷۹	شهادت سردار سلیمانی این موضوع را در عرصه داخلی و خارجی روشن کرد که یک‌راه بیشتر نداریم و آن اقتدار و عزت است که باید به آن دست‌یابیم و آن را بیشتر کنیم.
	۰/۲۹۰	۰/۳۱۷	۰/۷۲۰	شهادت سردار سلیمانی نقطه عطف در مبارزات ما با استکبار جهانی است.

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

ارائه یافته‌ها

آزمودنی‌ها مجرد و ۶۱/۲ درصد باقی‌مانده متأهل هستند. حداقل سطح تحصیلات پاسخگویان زیر دیپلم با ۲/۳ درصد و حداکثر سطح تحصیلاتشان کارشناسی ارشد و بالاتر با ۳۳/۳ است. از لحاظ وضعیت اشتغال، ۶۴/۳ درصد شاغل و ۳۵/۷ درصد غیر شاغل هستند.

فرضیه اول: شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش آگاهی سیاسی در جامعه شد.

با توجه به نتایج جدول (۳) مشاهده می‌شود، مقدار آماره کای دو برابر ۳۲۳/۷۵۸ و سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۰۰ است که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ (۰/۰۵ < sig, α = ۰/۰۵) است، بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت شهادت

در این قسمت به نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی پرداخته می‌شود. نتایج حاصل نشان می‌دهد که از کل نمونه آماری، حداقل سن جمعیت موردبررسی ۵۶ سال به بالا و بالاترین ۲۶-۳۵ سال است و میانگین به‌دست‌آمده معادل ۲/۶۲۲ است به عبارت دیگر نمونه آماری موردبررسی در تحقیق حاضر به‌طور متوسط ۲۶ سال سن دارند. ۲۶۹ نفر آزمودنی‌ها مرد و ۱۱۵ نفر زن می‌باشند. به عبارت دیگر ۷۰/۱ درصد پاسخگویان مرد و ۲۹/۹ درصد باقی‌مانده رزن تشکیل داده‌اند. ۱۴۹ نفر از پاسخگویان مجرد و ۲۳۵ نفر متأهل می‌باشند؛ بنابراین ۳۸/۸ درصد

سردار سلیمانی باعث افزایش آگاهی سیاسی در جامعه شد. با توجه به مقدار ضریب وی کرامر (۰/۹۲۲) می توان گفت شدت آگاهی سیاسی شهروندان با شهادت سردار سلیمانی در حد بالا است.

جدول ۳. بررسی آزمون کای دو فرضیه دوم

Symmetric Measures		Chi-Square Tests		
سطح معنی داری	ضریب وی کرامر	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره کای دو
۰/۰۰۰	۰/۹۲۲	۰/۰۰۰	۱۹	۳۳۳/۷۵۸

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

فرضیه دوم: شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش وحدت سیاسی در جامعه شد. با توجه به نتایج جدول (۴) مشاهده می شود، مقدار آماره کای دو برابر ۵۴۳/۳۵۵ و سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ ($\alpha = 0.05, sig < 0.05$) است، بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش وحدت سیاسی در جامعه شد. با توجه به مقدار ضریب وی کرامر (۰/۸۴۴) می توان گفت شدت وحدت سیاسی شهروندان با شهادت سردار سلیمانی در حد بالا است.

جدول ۴. بررسی آزمون کای دو فرضیه اول

Symmetric Measures		Chi-Square Tests		
سطح معنی داری	ضریب وی کرامر	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره کای دو
۰/۰۰۰	۰/۸۴۴	۰/۰۰۰	۳۸	۵۴۳/۳۵۵

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

فرضیه سوم: شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش مشارکت سیاسی در جامعه شد. با توجه به نتایج جدول (۵) مشاهده می شود، مقدار آماره کای دو برابر ۲۳۰۳/۵۳۷ و سطح معنی داری آزمون ۰/۰۰۰ است که این مقدار کمتر از ۰/۰۵ ($\alpha = 0.05, sig < 0.05$) است، بنابراین فرض صفر رد شده و با اطمینان ۹۵٪ می توان گفت شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش مشارکت سیاسی در جامعه شد. با توجه به مقدار ضریب وی کرامر (۰/۵۶۴) می توان گفت شدت مشارکت سیاسی شهروندان با شهادت سردار سلیمانی در حد متوسط است.

جدول ۵. بررسی آزمون کای دو فرضیه سوم

Symmetric Measures		Chi-Square Tests		
سطح معنی داری	ضریب وی کرامر	سطح معنی داری	درجه آزادی	آماره کای دو
۰/۰۰۰	۰/۵۶۴	۰/۰۰۰	۴۷۵	۲۳۰۳/۵۳۷

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

تحلیل رگرسیونی
متغیرهای؛ آگاهی سیاسی ($B=0/492$)، وحدت سیاسی همان گونه که ضرایب رگرسیون خطی نشان می دهند، ($B=0/354$)، به ترتیب از وزن B بالاتری برخوردارند و

نقش شهادت سردار سلیمانی بر وحدت، آگاهی و مشارکت سیاسی شهروندان

مشارکت سیاسی با $B=0/342$ و سطح معنی داری $(0/090)$ معنادار نیست.

جدول ۶. رگرسیون خطی متغیرهای مستقل تحقیق

sig	t	ضریب استاندارد		متغیرها
		b	B	
0/001	3/235	0/433	0/152	آگاهی سیاسی
0/018	2/366	0/382	0/150	وحدت سیاسی
0/090	1/699	0/309	0/201	مشارکت سیاسی

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

همان‌گونه که نتایج رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد از بیش‌ترین تأثیر را از شهادت سردار سلیمانی پذیرفته است. بین همه متغیرهای تحقیق، متغیر آگاهی سیاسی با $B=0/564$

جدول ۷. رگرسیون چندگانه و آماره‌های مرتبط با آن

معناداری Sig.	آزمون t	ضریب معیار شده Beta	ضریب معیار نشده		متغیر پیش‌بین	وابسته
			B	خطای معیار		
0/000	11/157	0/496	0/051	0/564	آگاهی سیاسی	شهادت سردار سلیمانی
مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی و برازش رگرسیون چندگانه						
مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	مقدار	معادل لاتین	نام شاخص	
12/423	Constant	مقدار ثابت	124/474	F	تحلیل واریانس	
0/124	Durbin-Watson Method	دوربین واتسون	0/000	Sig. F	معناداری واریانس	
0/496	R	ضریب همبستگی پیرسون	0/237	Kolmogorov-Smirnov	کولموگوروف اسمیرنوف	
0/246	R-Square	ضریب تعیین	0/183	Shapiro -Wilk Test	معناداری کولموگوروف	
0/244	Adjusted R	ضریب تعیین تعدیلی	0/000	Sig. S.W.	آزمون شاپیرو ویلک	
8/184	Std. Error of the Estimate	خطای استاندارد شده	0/559	Tolerance	معناداری شاپیرو ویلک	
			0/003	VIF	شاخص تحمل	
					شاخص عامل تورم واریانس	

(مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۹).

معادله رگرسیونی
 معناداری آن‌ها می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۰۰ گفت که بین متغیر نقش شهادت سردار سلیمانی و سایر متغیرهای مورد بررسی رابطه معناداری وجود دارد.
 در این معادله رگرسیونی به بررسی نقش شهادت سردار سلیمانی در آگاهی، وحدت و مشارکت سیاسی مردم کرمانشاه پرداخته شده است. با توجه به میانگین متغیرها و سطح

جدول ۸. تحلیل مدل رگرسیون و آزمون F

معناداری	کمیت F	میانگین مجزورات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	منبع تغییرات
0/000	43/750	2903/510	8710/530	3	اثر رگرسیون
		66/366	25219/217	380	باقی‌مانده

نتیجه‌گیری

در عصر مدرن وفاق ملی میان مردم یک جامعه معمولاً حول عناصر اسطوره‌ای شکل می‌گیرد. این عناصر اسطوره‌ای می‌توانند نمادهای قدیمی و تاریخی ملت‌ها باشند یا اسطوره‌هایی جدید که لزوماً مربوط به دوران باستان نیستند و در همین عصر و میان مردم همین جامعه زندگی می‌کنند، اما چون یک ملت در ذهن خود ارتباط خاصی میان این افراد و اسطوره‌های قدیمی پیدا می‌کنند، این‌ها را نیز همچون اسطوره‌های باستانی می‌بینند. کشور ما نیز سرشار از اسطوره‌هاست؛ از اسطوره‌های ملی و باستانی گرفته تا شخصیت‌های نمادین مذهبی که در جای‌جای میهن از آن‌ها با احترام یاد می‌شود. در دوران معاصر نیز مردم ویژگی‌های این اسطوره‌های ملی و مذهبی را میان افراد خاصی پیدا کرده‌اند. کسانی که بعضی وجهه مذهبی پررنگی داشته و برخی برای دفاع از وطن یا اعتلای آن بسیار تلاش کرده‌اند. سردار سلیمانی نیز دقیقاً بر اساس همین ویژگی‌ها به شخصیتی اسطوره‌ای در میان بخش وسیعی از مردم ایران تبدیل شده است. او هم شخصیتی کاملاً وطن‌دوست بود که عمر خود را صرف دفاع از میهن کرد و هم بعد مذهبی بسیار پررنگی داشت. این ویژگی‌ها باعث شد سردار سلیمانی یادآور شخصیت‌های تاریخی و مذهبی برجسته کشور شود و اکنون ما با افتخار از این شهید بزرگوار به‌عنوان یکی از اسطوره‌های عصر خود یاد می‌کنیم. اسطوره‌ای که مردم در طول حیاتش به او ارادت خاصی داشتند و بعد از شهادتش نیز عزاداری‌های باشکوهی برایش برگزار می‌کنند. در ماجرای شهادت سردار سلیمانی، حتی بسیاری از شخصیت‌های مشهوری که معمولاً مواضع مخالف حاکمیت می‌گیرند، از این شخصیت بزرگوار حمایت و اقدام آمریکایی‌ها را محکوم کرده‌اند. این مسئله اسطوره‌ای بودن شخصیت این شهید را بیش‌ازپیش اثبات می‌کند و به‌نوعی نشان‌دهنده جامعیت شخصیت اوست؛

چراکه حاج قاسم در دوران زندگی‌اش از همه دسته‌بندی‌های سیاسی، جناحی، قومی و حتی عقیدتی عبور کرد و در فراسوی همه این دسته‌بندی‌ها قرار گرفت؛ بنابراین شخصیت سردار سلیمانی امروز به دریایی تبدیل شده که هرکسی از این دریا گوهری را که موردپسند خود باشد، به دست می‌آورد؛ بنابراین شهادت سردار سلیمانی با این‌که اندوهی بسیار جانکاه برای همه ماست، می‌تواند فرصتی طلایی نیز برای ایجاد وحدت و مشارکت سیاسی مردم و شخصیت‌های مختلف اجتماعی باشد. اصولاً اسطوره‌هایی همچون حاج قاسم به‌طورکلی نقش انسجام‌بخشی در یک جامعه را دارند و می‌توانند باعث شوند نوعی وفاق در میان همه طیف‌ها و نیروها شکل بگیرد. اکنون هم شاهد آن هستیم، بسیاری از افرادی که در حوادث آن‌بان به سیاست‌های نظام اعتراض داشتند، در سوگ سردار سلیمانی نشستند؛ بنابراین ما نیز می‌توانیم حول محور این شخصیت بزرگوار، بار دیگر برای ایجاد وفاق ملی تلاش کنیم. وفاقی که هم می‌تواند در بعد خارجی برای ایستادگی در برابر دشمنان ملت ایران به کار آید و هم می‌تواند در کنار تلاش و کوشش برای رفع مشکلات اقتصادی، موجب همبستگی میان اقشار مختلف مردم شود.

در شرایط عادی سلیقه‌ها و عقاید مردم یک جامعه با یکدیگر تفاوت‌های بسیاری دارد. تفاوت‌هایی که افزایش آن می‌تواند باعث از بین رفتن وحدت و ازهم‌پاشیدگی جامعه شود؛ درحالی‌که جامعه برای داشتن انسجام نیاز به وحدت دارد و با استفاده از این وحدت است که می‌توان به اهداف بسیاری در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دست‌یافت؛ اما وقتی یک جامعه از سوی عاملی بیرونی مورد تهدید قرار می‌گیرد یا لطمه‌ای به یکی از جنبه‌های مشترک آن‌ها وارد می‌شود، افراد جامعه چند برابر شرایط عادی با یکدیگر وفاق پیدا می‌کنند. این اتفاق عموماً در شرایط جنگی رخ می‌دهد، زیرا وقتی یک قدرت خارجی همه افراد یک

جامعه را به طور مشترک تهدید می‌کند، مردم در این شرایط درک می‌کنند که باید برای پیروزی در این نبرد وحدت داشته باشند. اکنون شهادت سردار سلیمانی نیز شرایطی مشابه را در جامعه ایران ایجاد کرده است؛ زیرا درحالی‌که کشور در جنگ اقتصادی قرار دارد و در ماه‌های اخیر بارها با حرف‌ها و اعمال مختلف از سوی دشمن خارجی تهدید شده است، مردم ضمن ابراز ناراحتی از شهادت سردار سلیمانی، حول محور نفرت از دشمن مشترک با یکدیگر وفاق پیدا کرده‌اند؛ چراکه این دشمن مشترک اکنون هم با زبان تهدید با ملت ایران سخن می‌گوید و هم نماد ملی دفاع از وطن و آرمان‌های میهنی را ترور کرده است. عامل دیگر وحدت ایجاد شده حول محور شهید سردار سلیمانی، نمادین بودن شخصیت ایشان است. معمولاً وقتی یک شخص تبدیل به یک نماد می‌شود، دیگر آن فرد یک نفر نیست، بلکه یک ملت است، به همین دلیل آسیب رساندن به او، به نوعی آسیب رساندن به ملت محسوب می‌شود. اکنون نیز که آمریکا نماد ملی ایرانیان را به شهادت رسانده و به این شکل خیلی روشن با ملت ایران ابراز دشمنی کرده و همین مسئله خود باعث وفاق هرچه بیشتر مردم ما شده است. سردار شهید قاسم سلیمانی به نوعی پهلوان زنده کشور ما بود؛ شخصی که نماد مقاومت و مبارزه یک ملت محسوب می‌شد و در طول حیات خود نشان داد به هیچ‌کدام از گرایش‌ها و دسته‌های سیاسی وابسته نیست. او به مردم نشان داد صرفاً می‌خواهد از مکتب انقلاب و ملت ایران دفاع کند و همین باعث شد مردم در همه سال‌های گذشته تعصب خاصی روی او پیدا کنند؛ تعصبی که اکنون در زمان شهادت این سردار باعث ایجاد وحدت میان گروه‌های مختلف مردم شده است.

تجربیات کشورهای مختلف نشان داده، کشورهایی که در زمینه تأمین مشارکت مردم موفق بوده‌اند، عمدتاً موفقیت خود را مدیون ایجاد نوعی ارگان محلی (دولت محلی)

با اقتدار بالنسبه زیاد می‌دانند. این ارگان‌های محلی، از نظر سازمان‌دهی و سلسله مراتب تا بالاترین سطوح و به شکل زنجیره‌ای پیوسته ادامه داشته و وظایف و تکالیف هر یک از سطوح به دقت تعیین شده است. به عبارت دیگر کل از بالا تا پایین ارتباطی ارگانیک با یکدیگر داشته و از ساختی مرتبط برخوردار می‌باشند. تدوین منطقی در جهت تأمین و جلب مشارکت مردم در محیط اجتماعی - اقتصادی بوروکراتیک و ضرورتی است آشکار. برای تأمین مردم مجموعه سیستم و نظام حاکم باید مشارکت پذیر باشد، در غیر این صورت سیستم و نظام حاکم باید مشارکت پذیر باشد، وگرنه آفات سیستم ضد مشارکت، به تدریج زمینه‌های تحقق امر مشارکت را نیز از میان بخواهد داشت. عمده‌ترین عامل تأمین مشارکت، آگاهی و علاقه مردم و حاکمیت فرهنگ تعلیم و همیاری در جامعه است. تا زمانی که نتوان مردم را به این باور و یقین کشاند که با مشارکت، تعاون و همیاری، می‌توان به جامعه‌ای مرفه‌تر و سعادت‌مند دست یافت و تا زمانی که نتوان فرهنگ خودمحوری و خودپسندی را در جامعه از میان برداشت، تأمین مشارکت مردم امکان‌پذیر نخواهد بود. در مورد مشارکت سیاسی، "سی. رایت میلز" بر این باور است که: "اگر فرد بتواند قوانین جدید وضع و عنداللزوم قوانین موجود را تغییر دهد، به مشارکت سیاسی نائل آمده است." در حقیقت اندیشه مشارکت سیاسی مستلزم دعوت کسانی به شرکت در فرآیند تصمیم‌گیری‌های کلان کشوری و سهمیم شدن در قدرت است که تاکنون نقشی در اداره جامعه نداشته‌اند و حداکثر به هنگام ضرورت، توسط حکومت و برای مقاصد معین بسیج می‌شده‌اند. طبق نظر ساموئل هانتینگتون و نلسون، سه فرآیند توسعه اقتصادی - اجتماعی از دو طریق می‌تواند به گسترش مشارکت سیاسی - اجتماعی بینجامد: الف) مجرای تحرك اجتماعی؛ کسب منزلت بالاتر اجتماعی، به نوبه خود در فرد احساس توانایی و نگرش - های معطوف به تأثیرگذاری

بر تصمیم‌گیری‌های عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در سیاست و امور اجتماعی باشد. متغیرهای منزلتی، میزان سواد و تحصیلات فرد، بیش‌ترین تأثیر را بر مشارکت سیاسی دارند. احساس بی‌قدرتی و احساس بی‌معنا بودن فعالیت سیاسی و مدنی و اعتقاد به بی‌تأثیری اعمال فردی در روند وقایع و امور سیاسی - اجتماعی، نگرشی منفی است که میزان مشارکت را به حداقل می‌رساند. (ب) مجرای سازمانی؛ یعنی عضویت و مشارکت فعال در گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی (گروه‌های مدافع علائق خاص، اتحادیه‌های شغلی و صنفی)، احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند. از دیدگاه فوق، مشارکت سیاسی و اجتماعی، متأثر از مداخله و همکاری افراد در فعالیت‌ها، تشکل‌ها و سازمان‌هاست؛ یعنی میزان عضویت و همکاری فعال در گروه‌ها، انجمن‌ها، جماعات و نهادهای مردمی و احزاب سیاسی، نوعی بینش و مسئولیت فردی و جمعی برای فرد ایجاد می‌نماید که در نتیجه، تداوم همکاری و مشارکت، به مثابه ضرورت یا حتی یک وظیفه و تکلیف انسانی می‌شود. هانتینگتون معتقد است، معیارهای توسعه سیاسی، عبارت‌اند از پیچیدگی، استقلال، انعطاف‌پذیری و یگانگی؛ در واقع از دیدگاه وی، مشارکت فعالیت شهروندان به منظور تأثیر نهادن بر فرایند تصمیم‌گیری‌های دولت است. یکی از ویژگی‌های اصلی نظریه کنش متقابل نمادین پرداختن به آگاهی است. توجه به ریشه‌های عمل‌گرایانه نظریه کنش متقابل نمادین، فرض‌های اساسی این نظریه پیرامون آگاهی کنشگران را مشخص می‌کند. به نظر عمل‌گرایان، حقیقت یا واقعیت به‌گونه‌ای آماده در جهان واقعی وجود ندارد. بلکه ضمن عملکرد ما به گونه فعالانه ساخته و پرداخته می‌شود. یافته‌های آمار استنباطی نشان داد که:

فرضیه اول: شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش آگاهی سیاسی در جامعه شد.

تأیید فرضیه اول با شدت ($V = 0/922$) نشان می‌دهد که شهادت سردار سلیمانی آگاهی سیاسی شهروندان را افزایش داد و این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های باصری (۱۳۸۸)، باقری احمدآبادی (۱۳۸۳) و آزادی (۱۳۷۳) همسویی دارد. نظریه آلموند تأییدی دیگر برای این فرضیه است. بر اساس نظریه آلموند، هر فرهنگ سیاسی شامل نوعی جهت‌گیری شناختی است که مربوط به شناخت و دانسته‌های مردم از امور مختلف نظام سیاسی است؛ بنابراین آگاهی سیاسی یکی از اجزای تشکیل‌دهنده هر فرهنگ سیاسی است.

فرضیه دوم: شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش وحدت سیاسی در جامعه شد.

با استنتاج از فرضیه دوم و شدت بالای آزمون وی کرامر ($V = 0/844$) می‌توان بیان کرد که شهادت سردار سلیمانی وحدت سیاسی را در بین شهروندان افزایش داد. یافته‌های پژوهش‌های؛ صادقیان (۱۳۹۸)، پورجلی و نجفی (۱۳۹۷)، پورفرد (۱۳۹۲) و صاحب‌نظران مکتب‌نوسازی از جمله دانیل لرنر، اینکلس و اسمیت، لیپست، رابرت دال و هانتینگتون درباره وحدت سیاسی و منزلت اجتماعی - سیاسی و احساس اثربخشی سیاسی، تأییدی برای این فرضیه می‌باشند.

فرضیه سوم: شهادت سردار سلیمانی باعث افزایش مشارکت سیاسی در جامعه شد.

با توجه به مقدار ضریب وی کرامر ($0/564$) در تأیید فرضیه سوم مطالعه حاضر می‌توان گفت شدت مشارکت سیاسی شهروندان با شهادت سردار سلیمانی در حد متوسط است. نتایج پژوهش‌های محمدی و شهیدیان (۱۳۹۸)، پورجلی و نجفی (۱۳۹۷)، چابکی (۱۳۸۲)، جنیک اشو و همکاران (۲۰۱۸)، پرسون (۲۰۱۷)، ژیانگ و همکاران (۲۰۱۶)، ویلیامز (۲۰۱۳)، گات و همکاران (۲۰۱۰)، دیفراو سیسکو و گتیلیمن (۱۹۸۴)، بحری و سیلور (۱۹۹۳) و نظریات صاحب‌نظران مکتب‌نوسازی، از جمله رابرت دال که مشارکت سیاسی را مورد تحلیل قرار

داده و عوامل تسهیل کننده ورود به مشارکت سیاسی را مطرح نموده و توانسته مدلی را برای تبیین رفتار مشارکتی طراحی نماید تأییدی برای فرضیه سوم پژوهش است.

ضرایب رگرسیون متغیرهای؛ آگاهی سیاسی ($B=0/492$)، وحدت سیاسی ($B=0/354$)، مشارکت سیاسی ($B=0/342$) به ترتیب از وزن B بالاتری برخوردارند. طبق یافته‌های رگرسیون چندگانه از بین همه متغیرهای تحقیق، متغیر آگاهی سیاسی با $B=0/564$ بیشترین تأثیر را از شهادت سردار سلیمانی پذیرفته است.

پیشنهادها

بنا بر آنچه در این پژوهش ذکر شد، پیشنهاد می‌گردد؛ به شهروندان القا شود که مشارکت آنان در اداره امور جامعه رمزی و نمادین نبوده و تأثیرگذار است و باید به تدریج از حجم دخالت دولت در اداره امور کم گردد و این امور به شهروندان واگذار گردد تا جایی که نهادهای مردمی شکل‌گیرنده بدون وابستگی به حکومت یا جریان خاص سیاسی به فعالیت ادامه دهند. با عنایت به گستردگی و قوی بودن زمینه‌های مذهبی در جامعه، بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و محرک‌های قدسی مشوق و آمرانه، در برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف، نیز می‌تواند زمینه‌های مشارکت سیاسی مردم را بیشتر فراهم گرداند.

فراهم شدن بستر و زمینه مناسب برای توسعه فعالیت‌های سیاسی افراد در قالب ایجاد و گسترش احزاب، تشکل‌ها، اتحادیه‌ها و سندیکاهای صنفی حرفه‌ای و سیاسی پیشنهاد دیگری است که می‌تواند امکان مشارکت گسترده آزادانه‌تر و آگاهان تر را فراهم نماید.

توجه به خواست و اراده سیاسی اقشار مختلف جامعه کرمانشاه موردی است که می‌توان مدنظر مسئولین امر قرار گیرد. لذا به مسئولین پیشنهاد می‌شود این اطمینان را در ذهن مردم ایجاد کنند که مشارکت آنان در اداره امور جامعه

تأثیرگذار بوده و نمایشی نیست.

چاپ و نشر هرچه بیشتر آثار و تألیفات اندیشمندان سیاسی که در زمینه وحدت و اتحاد مسلمین فعالیت دارند، در این راستا در سطح دانشگاهی هم از پایان‌نامه‌های دانشجویی که در این زمینه به نگارش درمی‌آیند حمایت مالی و عمل‌آید.

منابع

۱. آبراکرامی، نیکلاس (۱۳۶۷) فرهنگ جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن پویان، تهران، چاپخش.
۲. آزادی، خجسته (۱۳۷۳) بررسی مشکلات سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ص ۲۳.
۳. ازکیا، مصطفی و غلام‌رضا غفاری (۱۳۸۰) توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی.
۴. استیری، جاهد (۱۳۹۷) همبستگی ملی در کتب درسی دوره ابتدایی، مورد مطالعه کتب فارسی، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، ص ۸.
۵. آقا بخشی، علی (۱۳۸۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.
۶. آلموند، گابریل و پاول بینگام جی، (۱۳۷۷) مشارکت و حضور شهروندان، ترجمه: علیرضا طیب، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۱۶۴-۱۶۳، ص ۷۱.
۷. باصری، احمد (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر بر آگاهی و مشارکت سیاسی - اجتماعی، مجله زنان و خانواده‌های نیروهای مسلح، مجله فرهنگی و دفاعی زنان و خانواده. سال پنجم شماره ۱۵، ص ۴۳.
۸. باقری احمدآبادی (۱۳۸۳) بررسی مشارکت سیاسی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ص ۲۸.
۹. برگر، پیتر و لوکمان توماس، (۱۳۷۵) ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه: فریبرز مجیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. پورجلی، کاظم و فاطمه نجفی، (۱۳۹۷) میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۲، ص ۳۷.
۱۱. پورفرد، احمد (۱۳۹۲) اندیشه و استراتژی وحدت در شبه‌قاره هند و ایران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، شماره ۸، ص ۴۵.
۱۲. پورفرد، مریم (۱۳۹۲) وحدت و همبستگی سیاسی از منظر قرآن،

- فصلنامه مطالعات آموزشی، شماره ۶، ص ۱۹.
۱۳. تزر، جانانان (۱۳۷۱) پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه: عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، فرهنگ.
۱۴. توکلی، قاسم (۱۳۹۳) القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲، ص ۲۸.
۱۵. چابکی، ام‌البنین (۱۳۸۲) جنسیت و مشارکت سیاسی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۴۴ و ۴۵، ص ۳۸.
۱۶. دال، رابرت (۱۳۶۴) تجزیه و تحلیل سیاست، ترجمه: حسین مظفریان، تهران، مظفریان.
۱۷. داوسون، ریچارد (۱۳۸۲) جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه: مهدی جواهری فر، تهران، لاجورد.
۱۸. دیانتي نیت، ج (۱۳۸۲) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، ص ۴۳.
۱۹. راش، مایکل (۱۳۷۷) جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی)، ترجمه: منوچهر صبوری، چاپ سوم، انتشارات سمت.
۲۰. رضایی، علی‌رضا (۱۳۷۵) مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱۰، صص ۵۴-۶۳.
۲۱. ریترز، جورج (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
۲۲. سوی، آلویین (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه، ترجمه: محمود مظاهری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. شعبانی، محمدرضا (۱۳۸۰) نقش مشارکت مردم در مدیریت بحران، رساله دکترا، دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران، ص ۴.
۲۴. شهرام نیا، امیر مسعود (۱۳۸۹) تحلیل تأثیر آگاهی سیاسی معلمان بر شرکت در انتخابات، مطالعه موردی معلمان نواحی ۱ و ۳ اصفهان، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره ۱، ص ۱۴۲.
۲۵. صادقیان، عباس (۱۳۹۸) تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر رضایت سیاسی جوانان در شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، ص ۴۱.
۲۶. صدقاتی فرد، مجتبی و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۶۸) مطالعه بی‌تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی خلیلال، شماره ۱۵، ص ۱۷۴.
۲۷. قزاقانی، علی (۱۳۸۲) نقش سازمان‌های غیردولتی در تقویت مشارکت اجتماعی (شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز، ص ۴۳.
- اجتماعی (شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ص ۳۲-۲۸.
۲۸. قرآن الکریم
۲۹. قوام، عباس (۱۳۷۴) نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی: بررسی مسائل نظریه‌پردازی در باب نوسازی و توسعه سیاسی در جهان سوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۳۰. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴) آگاهی‌واژگونه، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۳-۱۳۴، ص ۶۷.
۳۱. کریمی، محمد (۱۳۹۴) نحوه و چگونگی پیدایش و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی داعش، بررسی موردی دولت اسلامی عراق و شام، مطالعات ملی-تمدن ملی، ص ۴۹.
۳۲. کوزر، لوئیس (۱۳۷۵) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، نشر علمی. فرهنگی.
۳۳. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵) بیگانگی؛ مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی-سیاسی، نامه پژوهش شماره ۱، ص ۵۵.
۳۴. محمدی، رضا و نادر شهیدیان، (۱۳۹۸) انتخابات و مشارکت شبکه‌های اجتماعی، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال اول، شماره ۱۱، ص ۳۴.
۳۵. محمدی، علی (۱۳۸۵) بررسی مقایسه‌ای میزان آگاهی و مشارکت سیاسی و اجتماعی دانش‌آموزان عضو تشکل‌های دانش‌آموزی استان قزوین با سایر دانش‌آموزان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، ص ۱۵.
۳۶. مسجد جمعی، وحید (۱۳۹۵) سازمان القاعده، مجله اینترنتی فصل نو، شماره ۵۰، ص ۲۳.
۳۷. معین، محمد (۱۳۷۱) فرهنگ معین (یک جلدی فارسی)، تهران، زرین، شماره ۳.
۳۸. میلیث لستر، لیل، گوئل (۱۳۶۸) مشارکت سیاسی، ترجمه: سید رحیم ابوالحسنی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۳۹. نهبانندی، مصطفی و فرجی تیمور لوحه سرا، (۱۳۹۳) بررسی تجربی ارتباط سطوح دین‌داری با رفتار انتخاباتی دانشجویان، دانشنامه علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی تاریخی)، شماره ۴، صص ۳۳-۶۷.
۴۰. هانتینگتن، ساموئل (۱۳۷۰) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه: محسن ثلاثی، چاپ اول، نشر علم.
۴۱. هولاب، رابرت (۱۳۸۳) یورگن هابرماس: نقدی در حوزه عمومی،

49. Jenick Asshaw et al. (2018) "Internet and Political Participation" (London and New York: Routledge), p: 817.
50. Kerisberg, Louis. (2017) *Sociology of social conflict*, new jercy: Printice-Hall Publication.
51. Lerner, Daniel. (1964), *The passing of traditional society*, New york, The Macmillan com.
52. Lipšt, Martin, Dose, Robert. (1994). *Political Sociology*. Translated by Farjad. M. Tehran, Ghomes Pub.
53. Mehta, S. (2019) *Rular development policies and programs*. London: sage.
54. Persson (2017) "The Relationship Between Education and Political Participation" *British Journal of Political Science*. 23: 453-497.
55. Rahnama, M. (2018) *Participation.in: The development Dictionary*. Edite by wolfganysachs. London: zedbook Ltd.
56. *Relationship between Corruption Perception and Political Participation*. Social
57. Williams, S. D. (2013), "African-American religious experience and political participation in an urban setting". Dissertation for the degree of doctor of philosophy wayne state university, Detroit. Michigan.
58. Zheng W. w. Liu L. Huang Z. w. Tan X. y. (2016). "Life Satisfaction as a Buffer of the Relationship between Corruption Perception and Political Participation". *Social Indicators Research*pp.
- ترجمه: حسین بشیریه، چاپ سوم، نشر نی.
42. Almond, G. A and S. Verba. (1963). *The Civic Culture, political Attitudes and Democracy in five Nations*, Princeton. Princeton University Press.
43. Bahry, D. Silver, B. (1993) "Sovit Citizenship Participation of the Eve of Democratization", *Journal American Political Science Review*, 84(3):821.847-
44. Carpini, M. X. & Keeter, S. (2013). *What American Knows About Political & Why It*. Zimmerman, A. (2018) *Public Participation in Planing*, *Common Questions about Planing in Arizona*Issus 6, February.
45. Demerath III, N. J. (2014), "Civil society and civil religion as mutually dependent. In: Dillon, M (Ed)". *Handbook of the sociology of religion*.University of Cambridge press, Cambridge, uk.
46. Difravceisco, W. Gitelman, Z. (1984)"Soviet Political Culture and Covert Participation", *American Political Science, Review*, 78:69-87.
47. Guth, J. Green, J. Kellstedt, L. and Smidt, C. (2010), "Rrligion and political participation, prepared for delivery at the 2010 Annual meeting of the American political science Association".
48. Hoffman, A. and Dowd, R. (2015), "Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda". University of Notre Dame: Department of Political Science. *Indicators Research*pp.

The Role of Sardar Soleimani's Martyrdom on the Unity, Awareness and Political Participation of the People of Kermanshah

Somia Malekinejad¹, Ali Moradi^{2*}

Abstract

The purpose of this article is to investigate the role of Sardar Soleimani's martyrdom on the unity and political awareness and participation of the people of Kermanshah. Quantitative research method and survey technique are the tools used in the questionnaire. The statistical population of citizens 20 years and older in Kermanshah in 1398 is equal to 1952434 thousand people and the sample size using Cochran's formula is equal to 384 people. Show regression coefficients; Political awareness ($B = 0.492$) and political unity ($B = 0.354$) have a higher weight of B, respectively. According to the findings of multiple regression, among all research variables, the political awareness variable with $B = 0.564$ has the most impact from the testimony of Sardar Soleimani. It can be concluded that the Iranian society, especially the studied society (citizens of Kermanshah) has been formed on the path of peace and reconciliation. The martyrdom of Haj Qasem Soleimani can act as a link between society and the government.

Keywords: Political Awareness, Political Unity, Political Participation, Political Satisfaction, Martyrdom of Sardar Soleimani

1. Graduated with a Master's Degree in Sociology

2*. Corresponding author. Associate Professor, Department of Sociology, Islamabad West Branch, Islamic Azad University, Islamabad, Iran
A_Moradi2020@iauksh.ac.ir